

آیندہ آمریکا و ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ - شمارہ چہار

Jeff Pippenger

2023-09-19

۱۸۶۳

پیام فصل‌های هشتم و نهم دانیال کہ به وسیلہ نہر اولای نمایانده شدہ اند، در سال 1798 گشودہ شد۔ نبوت فصل هشتم در فصل نهم به وسیلہ جبرئیل تفسیر شد، اما نہ تا ہنگامی کہ دانیال دعایی را ادا کرد کہ یکی از مہم ترین دعاہای انسانی در کتاب مقدس بہ شمار می رود۔ دانیال در آن دعا تصریح می کند کہ دریافتہ بود ویرانی اورشلیم، مطابق آنچه در کتاب ارمیا یافتہ بود، ہفتاد سال بہ طول خواہد انجامید۔

در سال اول داریوش، پسر اخشورش، از نسل مادہا، کہ بر مملکت کلدانیان بہ پادشاہی گماشتہ شدہ بود؛ در سال اول سلطنت او، من، دانیال، از روی کتاب‌ہا عدد سال‌ہایی را دریافتہ کہ کلام خداوند درباره آن‌ہا بر ارمیا نبی نازل شدہ بود، کہ ہفتاد سال ویرانی‌ہای اورشلیم بہ کمال خواہد رسید۔ دانیال ۹:۱، ۲

ارمیاہ نے یہ بھی واضح کیا کہ اُن ستر برسوں کے اختتام پر، جب دارا کے جرنیل خورس نے بابل کو فتح کیا، تو بلشضر مر جائے گا۔

وتمام این سرزمین بہ ویرانی و مایہ حیرت بدل خواہد شد؛ و این قوم‌ہا ہفتاد سال پادشاہ بابل را خدمت خواہند کرد۔ و واقع خواہد شد کہ چون ہفتاد سال بہ انجام رسد، من پادشاہ بابل و آن قوم را بہ سبب گناہشان، می گوید خداوند، و نیز سرزمین کلدانیان را مجازات خواہم کرد، و آن را بہ ویرانی‌ہای جاودانہ مبدل خواہم ساخت۔ ارمیا 12، 25:11

دانیال نیز تشخیص داد کہ آن ہفتاد سال ویرانی، تحقق نبوتی بود کہ بہ وسیلہ موسی ثبت شدہ بود۔

ہاں، تمام اسرائیل نے تیری شریعت سے سرکشی کی ہے، یہاں تک کہ وہ منحرف ہو گئے تاکہ تیری آواز نہ مانیں؛ اس لیے وہ لعنت ہم پر اُنڈیل دی گئی ہے، اور وہ قسم بھی جو خدا کے خادم موسیٰ کی شریعت میں لکھی ہے، کیونکہ ہم نے اُس کے خلاف گناہ کیا ہے۔ اور اُس نے اپنے اُن کلام کو، جو اُس نے ہمارے خلاف اور ہمارے اُن قاضیوں کے خلاف کہے تھے جو ہمارا انصاف کرتے تھے، ہم پر ایک عظیم بلا لا کر پورا کر دکھایا؛ کیونکہ تمام آسمان کے نیچے ایسا نہیں کیا گیا جیسا یروشلم پر کیا گیا ہے۔ جیسا کہ موسیٰ کی شریعت میں لکھا ہے، یہ تمام بلا ہم پر آ پڑی ہے؛ پھر بھی ہم نے خداوند اپنے خدا کے حضور التجا نہ کی، تاکہ ہم اپنی بدکرداریوں سے باز آتے اور تیری سچائی کو سمجھتے۔ دانی ایل 9:11-13۔

«قسم»ی کہ اسرائیل آن را شکستہ بود و موجب «لعنت» گردید، همان «ہفت زمان» لاویان بیست و شش بود۔ واژہای کہ در لاویان بیست و شش «ہفت زمان» ترجمہ شدہ است، همان واژہ عبری ای است کہ در دانیال نہ «قسم» ترجمہ شدہ است۔ قسم موسیٰ کہ با واژہای کہ «ہفت زمان» ترجمہ شدہ نمایانده شدہ است، نخستین نبوت زمانی کشف شدہ بہ وسیلہ ویلیام میلر بود، و نخستین حقایق بنیادی او بود کہ در سال ۱۸۶۳ کنار گذاشتہ شد۔ ویلیام میلر نمایندہ ایلیا بود، و این امر بہ وسیلہ روح نبوت تأیید می شود۔

«ہزاران تن ہدایت شدند تا حقیقتی را کہ ویلیام میلر موعظہ می کرد، بپذیرند، و خادمان خدا در روح و قدرت الیاس برانگیختہ شدند تا این پیام را اعلام کنند۔» Early Writings, 233

در سال ۱۸۶۳، جنبش میلری به پایان رسید، زیرا کسانی که پیش‌تر در آن جنبش بودند، کلیسای ادونتیست روز هفتم را تأسیس کردند. هنگامی که آنان به صورت یک کلیسا آغاز به کار کردند، آن جنبش پایان یافت. این پایان زمانی رخ داد که ایشان موسی را، چنان‌که در «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش به تصویر کشیده شده است، کشتند، و هم‌زمان ایلیا را نیز کشتند؛ همان پیام‌آوری که «سوگند» موسی را به آن جنبش ارائه کرده بود. موسی و ایلیا هر دو در سال ۱۸۶۳ کشته شدند و قرار نبود تا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هنگامی که خدا جنبش Future for America را به راه‌های قدیم بازگرداند، زنده شوند.

آینده برای آمریکا، یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ را به عنوان فرارسیدن وای سوم تشخیص داد، و آنچه این شناسایی حمله اسلام در یازدهم سپتامبر را استوار می‌سازد، تاریخ دو وای نخست است، چنان‌که میلریتی‌ها آن را شناسایی کردند و به طور مشخص بر هر دو نمودار پیشگام ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ بازنمایی شده است. خداوند با بازگرداندن آینده برای آمریکا به تاریخ میلریتی برای تأیید نقش معاصر اسلام، آنگاه فهم «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش را بر آنان گشود؛ همان که به صورت گرافیکی بر هر دو نمودار در ستون میانی بازنمایی شده است. و در هر دو نمودار، مرکز ستون میانی، صلیب است. هنگامی که خدا در تهیه هر دو لوح حقوق هدایت فرمود، اطمینان حاصل کرد که «سوگند» موسی، یعنی «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش، مرکز همه دیگر نمودارهای نبوی باشد و اینکه بر هر دو لوح، مسیح در دقیق‌ترین مرکز قرار داده شود.

این با دوره‌ای زمانی منطبق بود که در نبوتی دیگر قرار داشت؛ نبوتی که جبرئیل در فصل نهم دانیال آن را تفسیر کرد و در آن مشخص ساخت که مسیح عهد را با بسیاری برای یک هفته استوار خواهد کرد.

او با بسیاری برای یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت؛ و در نیمه هفته قربانی و هدیه را موقوف خواهد کرد، و بر بال رجاسات ویران‌کننده‌ای خواهد آمد، تا هنگام پایان؛ و آنچه مقدر شده است بر ویران‌کننده فرو ریخته خواهد شد. دانیال 9:27

یک هفته نبوت دو هزار پانچ سو بیس علامتی ایام پر مشتمل بوتای، اور و نه نبوت جس کی وضاحت جبریل کر رہا تھا، یہ ظاہر کرتی تھی کہ ان دو ہزار پانچ سو بیس علامتی ایام کے "وسط" یا مرکز میں مسیح مصلوب کیا جائے گا۔ مسیح دونوں ہی حقوق کی تختیوں میں 'پچیس سو بیس' کا مرکز ہے، اور نیز اسی ہفتہ میں بھی جس میں اُس نے بہتوں کے ساتھ عہد کو قائم کیا۔

در سال ۱۸۶۳، آدونتیسم به عنوان یک کلیسا آغاز شد و جنبش میلری که با روح الیاس نیرو یافته بود، کشته شد. جنبش میلری درک کرده بود که در بستر هفت کلیسای مکاشفه، آنان همان کلیسای فیلادلفیا بوده‌اند. کسانی که پس از ناکامی بزرگ ۱۸۴۴ از ایشان جدا شدند، سپس به عنوان لادقیان شناخته شدند. در سال ۱۸۵۶، جیمز وایت سلسله مقالاتی را در Review and Herald آغاز کرد و در آن‌ها بیان نمود که جنبشی که به عنوان فیلادلفیا آغاز شده بود، به لادقیه بدل شده است و از این‌رو اعضا باید علّاجی را که به کلیسای لادقیه عرضه شده بود، طلب کنند. در همان سال، در همان نشریه، جیمز وایت مجموعه‌ای از مقالات نوشته هیرام ادسون را درباره نبوت دو هزار و پانصد و بیست‌ساله لایوان بیست‌وشش منتشر کرد. این مقالات هرگز به پایان نرسیدند.

هنگامی که خداوند پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جنبش «America» for America را به راه‌های کهن بازگردانید، مقالات ادسون دوباره کشف شد، و برای نخستین بار در تاریخ هر دو دوره دو هزار و پانصد و بیست‌ساله به عنوان دو لعنت شناخته شدند: یکی بر ضد ده سبط شمالی، و دیگری بر ضد دو سبط جنوبی. میلر «هفت زمان» را بر ضد پادشاهی جنوبی یهودا تشخیص داده بود، اما ادسون «هفت زمان» را بر ضد پادشاهی شمالی اسرائیل شناسایی کرد. «America» for America دریافت

که هر دوی آنها باید به کار گرفته شوند. هنگامی که این دو پراکندگی با یکدیگر ترکیب می‌شوند، نوری نبوی پدید می‌آورند که نه میلر و نه ادسون هرگز آن را تشخیص نداده بودند.

“شپث” کی مۇسا تەب، دىيا لۇئا پار مارگو پراچىن سە فارى كو Future for America باء كە 2001 نە پۇرۇبۇ جب سەندەشاھكو كە سۋرگۇتۇت تىسەرە تەب سەندەش سەبۇندىت سە” شپث ”گۇى. ھو خۇدۇ پار پەرو اۋرە ئۇئى ھو جىۋىتۇ فارى پۇرتىكەتۇ اۋر پۇرسۇتۇت دۋارا سەندەشاھكو كە سۋرگۇتۇت پەلەئە سە جەسە، گەيا كەيا پۇرسۇتۇت پۇركار سۇسۇ دۋارا كى” ەلەياھ ”كو سەندەش نۇرۇپىتۇ دۋارا” مۇسا ”جسینە تا اآندولن ۋھ Future for America تا. گەيا كەيا تەك جب، دى تەك سەمەئ سە گەۋاھى كى مۇسا سە رۇپ سۇسۇتۇ نە ەلەياھ اۋر، كەيا غەبىتۇ مە سەمەرۇثە گۇى. ھو نەئى سەمەپۇت ااسەپاس كە 2012 لىگەبۇ شۇرۇخلا ەك كى پۇرسۇتۇتۇيۇ سە شىرۇكەHabakkuk’s Tables ۋرۇدۇ كە ەلەياھ اۋر مۇسا پشۇ ۋالا نەكىلنە سە كۇند ائاه تەب، ھۇى سەمەپۇت شۇرۇخلا ۋھ كى پۇرسۇتۇتۇيۇ جب كەيا نەشەئە ۋھ نە Future for America جب، ھۇا اارمۇب تەب ۋدۇ ۋھ اەيا. چۇ رۇپار لەپ كە كرنە ۋدۇ مە اەمەان اۋرە سەنە جەسە، كەر اارمۇب ۋدەيا لەئە ەك اۋر، دەر سەك سە تا رەا كەر كارۋە جۇ سە 1996 ۋھ كى بۋبىشەدۋكۇتاؤ ىلۇئە كو ۋدەيا لەئە سە كەئۇا اچۇا كەئى سەسە كەا. The School of the Prophets جاتا كەا ۋدەيا لەئە كا

ھرج و مرج و سردرگمی‌ای که هنگامی پدید آمد که مدرسه به کسانی که هرگز از سوی خداوند به‌عنوان رسولان او تأیید نشده بودند اجازه داد اندیشه‌های خود را مطرح کنند، با مرگ Future for America در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ به پایان رسید. در آن هنگام، موسی و ایلیا در کوچه‌ها کشته شده بودند.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحشی که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد، و بر ایشان غلبه خواهد یافت، و ایشان را خواهد کشت. و اجساد ایشان در کوچه آن شهر بزرگ خواهد افتاد، شهری که از لحاظ روحانی سدوم و مصر خوانده می‌شود، همان‌جا که خداوند ما نیز مصلوب گردید. مکاشفه 11:7، 8

آن شهادتی که قابل اعتماد است، همان شهادتی است که در پایان مجموعه‌ای با عنوان «لوح‌های حبقوق» به فرجام رسید. سپس وحش حمله کرد. من هیچ تصویری ندارم چه کسانی این مقالات کنونی را دنبال می‌کنند، اما گمان می‌برم که این جمع، به همان اندازه از دشمنان Future for America تشکیل شده است که از کسانی که هنوز می‌کوشند با نومیدی ۱۸ ژوئیه کنار بیایند. از این‌رو انتظار دارم کسانی که در دسته‌ای قرار می‌گیرند که من آن را دشمنان تعریف می‌کنم، به این نکته اشاره کنند که این تطبیق تاریخ نبوی، در نظر ایشان، تا چه اندازه به سود خود به نظر می‌رسد. چنین باد. زمان بیش از آن کوتاه است که وانمود کنیم تاریخ Future for America به‌روشنی به‌عنوان آن جنبشی شناسایی نشده است که به‌وسیله جنبش میلریتی نمونه‌سازی شده بود، و نیز بیش از آن کوتاه است که وانمود کنیم آن پیام‌آور انسانی معیوب لائودیکیه‌ای که برای پیشگامی در آن جنبش برانگیخته شد، به‌وسیله ویلیام میلر نمونه‌سازی نشده بود.

میلار از اهل فیلادلفیا بود، و من در سال ۱۹۷۵ از جهان به ادونتیسزم آمدم؛ از این‌رو یک ادونتیست لائودیکیه‌ای تأییدشده‌ام. تاریخ زندگی‌ام بر این واقعیت شهادت می‌دهد. با این همه، خدای رحیم آسمان اخیراً به من دستور داده است که پیامی را که اکنون بر من مکشوف می‌سازد، به نگارش درآورم و آن را به کلیساها بفرستم. دستور او با این وعده همراه بود که هنگامی که موسی و ایلیا را قیام دهد، ایشان نه به‌عنوان لائودیکیه‌ایان، بلکه به‌عنوان فیلادلفیاییان قیام خواهند کرد. جنبشی که در تاریخ میلریتی آغاز شد، زمان فیلادلفیا بود؛ زمانی که سرانجام در سال ۱۸۵۶ به لائودیکیه فراوری کرد، آنگاه که فرایند رد بنیان‌هایی را که میلریتی‌ها نهاده بودند آغاز نمود. این رد، با کنار نهادن گسترش تازه نوری که از طریق قلم‌هایرام ادسون عرضه شده بود، آغاز شد. هفت سال بعد، در ۱۸۶۳، جنبش ایلیا که پیام موسی را ارائه کرده بود، کشته شد. در همان زمان که آن جنبش کشته شد،

کلیسای برای جایگزین شدن با آن جنبش معرفی گردید. موسی و ایلیا در آغاز ادونتیسیم کشته شدند، و در پایان ادونتیسیم نیز بار دیگر کشته شدند.

در پایان لائودکیای نبوی، در سال ۱۹۸۹ رؤیای نهر حدّ اقل گشوده شد و جنبشی آغاز گردید که از مادری لائودکیایی زاده شده بود. خداوند غافلگیر نشد، و می دانست که کار سه فرشته خود را همان گونه که آن را آغاز کرده بود، به پایان خواهد رسانید. او آن را با جنبشی از فیلادلفیاییان به پایان می رسانید، همان گونه که آن را آغاز کرده بود؛ و برای انجام این امر، آن جنبشی که به حسب تولد لائودکیایی بود، می بایست کشته شود و همچون فیلادلفیاییان قیام کند. بدین سان، جنبشی که از کلیسای لائودکیایی بیرون آورده شده بود، در همان تاریخی که اتحاد سه گانه هشتمینی می شد که از آن هفت بود، خود نیز هشتمینی می گردید که از آن هفت بود. و در همان تاریخ، شاخ جمهوری خواهی نیز رستاخیز هشتمینی را که از آن هفت بود و به وسیله «ووک-ایسم» مصر و سدوم کشته شده بود، تجربه خواهد کرد؛ اما آن خط نبوت، بعداً در مقالات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اور لوگوں، قبیلوں، زبانوں اور قوموں میں سے لوگ ان کی لاشوں کو ساڑھے تین دن تک دیکھتے رہیں گے، اور ان کی لاشوں کو قبروں میں رکھنے نہ دیں گے۔ اور زمین پر بسنے والے ان پر خوشی کریں گے اور شادمانی منائیں گے، اور ایک دوسرے کو تحفے بھیجیں گے، کیونکہ ان دو نبیوں نے زمین پر بسنے والوں کو عذاب میں ڈال رکھا تھا۔ اور ساڑھے تین دن کے بعد خدا کی طرف سے زندگی کی روح ان میں داخل ہوئی، اور وہ اپنے پاؤں پر کھڑے ہو گئے؛ اور جنہوں نے انہیں دیکھا ان پر بڑا خوف چھا گیا۔ مکاشفہ ۱۱:۹-۱۱:۱۱.

آینده برای آمریکا به گور سپرده نشد، بلکه همان جا در خیابانی که در آن کشته شده بود افتاده بود، در حالی که دشمنانش بر مرگ ظاهری آن شادی می کردند. با این همه، «و بعد از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در ایشان داخل شد، و بر پاهای خود ایستادند.» دیگر زمانی نیست؛ پس سه روز و نیم، نماد هزار و دویست و شصت روز یا سال است که در مکاشفہ ۱۲:۶ و ۱۴ نمایانگر بیابانی است که در آن مقدسگاه و لشکر پایمال شدند. اگر به گور سپرده شده بودند، در خیابانی که بتوان آنان را پایمال کرد نمی بودند. پایمال شدن آینده برای آمریکا نه تنها یک دوره نمادین است، بلکه همان دوره نمادین پیام «هفت زمان» است که به وسیله سوگند موسی نمایانده شده است.

و آنان به دم شمشیر خواهند افتاد و به اسیری در میان جمیع امت ها برده خواهند شد؛ و اورشلیم پایمال امت ها خواهد گردید، تا زمان های امت ها به کمال رسد. لوقا ۲۱:۲۴

اورشلیم سه بار پایمال شده است. نخست، به وسیله بابل از ۶۷۷ ق.م. تا ۶۰۷ ق.م. دومین پایمال شدن، به وسیله روم بت پرست از ۶۶ م. تا ۷۰ م. بود. سومین بار، به وسیله روم روحانی از ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ بود. آن پایمال شدن اورشلیم به وسیله امت ها که در لوقا بیست و یک شناسایی شده است، همان هزار و دویست و شصت سال حاکمیت پاپی بود. مکاشفہ یازده، جایی که شهادت موسی و ایلیا را می یابیم، با شناسایی آن دوره زمانی آغاز می شود.

و به من نی ای مانند عصا داده شد؛ و فرشته ایستاده، گفت: برخیز و هیكل خدا و مذبح و پرستندگان در آن را اندازه بگیر. اما صحن بیرونی هیكل را واگذار و آن را اندازه بگیر، زیرا به امت ها داده شده است؛ و ایشان شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند کرد. مکاشفہ ۱۱:۱، ۲

فرمانی که به یوحنا داده شد تا هیكل و پرستندگان درون آن را اندازه گیری کند، بیانگر آغاز داوری در سال ۱۸۴۴ است؛ زیرا دو آیه پیشین یوحنا را چنین معرفی می کنند که در سال ۱۸۴۴ تلخی نومیدی عظیم را تجربه کرده است، و سپس، پس از آن که به او گفته می شود باید کار اعلام پیام را بار دیگر تکرار کند، آیه نخست باب یازدهم نشان می دهد که داوری درست در همان هنگام آغاز شده است.

«زمانی فرا رسیده است که هر آنچه را بتوان به لرزه درآورد، به لرزه درآورده خواهد شد، تا آن چیزهایی که نتوان به لرزه درآورد، باقی بماند. هر پرونده‌ای اکنون در برابر خدا برای رسیدگی مطرح می‌شود؛ زیرا او در حال اندازه‌گیری هیکل خدا و عبادت‌کنندگان درون آن است.» این را می‌گوید آن که هفت ستاره را در دست راست خود دارد، آن که در میان هفت شمعدان زرین خرامان است: اعمال تو را می‌دانم... اما بر تو این را دارم که محبت نخستین خود را ترک کرده‌ای؛ پس به یاد آور از کجا سقوط کرده‌ای، و توبه کن، و اعمال نخستین را به‌جا آور؛ وگرنه به‌زودی نزد تو خواهم آمد و شمعدان را از جای خود برخواهم داشت.» «توبه کن؛ وگرنه به‌زودی نزد تو خواهم آمد و با شمشیر دهان خود با تو خواهم جنگید. هر که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید: به آن که غالب آید، از من پنهان خواهم داد که بخورد، و سنگی سفید به او خواهم داد، و بر آن سنگ نامی تازه نوشته شده است که هیچ‌کس آن را نمی‌داند جز آن که آن را دریافت می‌کند.» The 1888 Materials, 1116

چنان‌که یوحنا نمایانگر گشایش داوری تحقیقی در سال ۱۸۴۴ است، به او گفته می‌شود که صحن بیرونی معبد را واگذار، زیرا آن به امت‌ها داده شده است؛ همانانی که شهر مقدس را به مدت هزار و دویست و شصت سال پایمال خواهند کرد. لوقا ۲۱ مشخص می‌سازد که امت‌ها اورشلیم را پایمال خواهند کرد تا «زمان‌های» امت‌ها به کمال برسد. یوحنا در فصل یازدهم به‌تازگی تصریح کرده است که زمان پایمال شدن اورشلیم به دست امت‌ها همان تاریخ ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ بوده است. یوحنا این دوره را در فصل دوازدهم دو بار به‌عنوان بیابان معرفی می‌کند؛ دوره‌ای که کلیسا برای اجتناب از آزار و اذیتی که پاپ برمی‌انگیخت، به آنجا گریخت.

هنگامی که موسی و ایلیا کشته می‌شوند و برای مدت سه روز و نیم در خیابان رها می‌گردند تا پایمال شوند، باید سه تاریخ پیشین که در آنها اورشلیم پایمال شد، به‌منزله نمونه‌ای از آن دوره زمانی فهمیده شوند. در لوقا بیست‌ویک، امت‌ها شهر مقدس را پایمال خواهند کرد تا آنکه «زمان‌های» امت‌ها به کمال برسد.

لہذا لوقا غیر اقوام کے ایک سے زیادہ اوقات کی نشان دہی کرتا ہے، لیکن ہم جانتے ہیں کہ غیر اقوام کا وقت 1798 میں پورا ہوا۔ غیر اقوام کا پہلا "وقت" 723 قبل مسیح میں شروع ہوا، جب اسرائیل کی شمالی مملکت اسور کے ہاتھوں پامال کی گئی۔ یہ پامال کیا جانا ایک مشرکانہ قوت کے ذریعے رونڈنے سے شروع ہوا اور 538 تک جاری رہا، جب پاپائی قوت نے اس کام کو سنبھال لیا اور اسے 1798 تک جاری رکھا۔ مشرکیت نے لفظی اسرائیل کو پراگندہ کیا اور پامال کیا، اور پاپائیت نے روحانی اسرائیل کو پراگندہ کیا اور پامال کیا۔ غیر اقوام کے "اوقات" احبار چھبیس کے دو ہزار پانچ سو بیس برسوں کی نمائندگی کرتے ہیں، جو پامال کیے جانے کے دو ادوار کو ظاہر کرتے ہیں۔ پہلا دور مشرکیت کے ذریعے انجام پایا، جیسا کہ اسور، پھر بابل، پھر مشرکانہ روم سے ظاہر ہوتا ہے۔ پھر دوسری ویران کرنے والی قوت، جسے ملرنے نبوت کے اس مقدس خاکے میں شناخت کیا جسے وہ استعمال کرتا تھا، پاپائیت تھی، جو 1798 تک پامال کرنے کے عمل کو جاری رکھتی۔ مشرکیت اور پاپائیت دونوں کی یہ پامالی بعینہ وہی سوال ہے جو آسمانی مکالمے میں اٹھایا جاتا ہے، اور جس کا جواب وہ بنیاد اور مرکزی ستون ہے جس پر ایڈونٹ ازم قائم ہے۔

پس شنیدم کہ قدیسی سخن می‌گفت، و قدیس دیگری به آن قدیس گوینده گفت: این رؤیا درباره قربانی دائمی و عصیان ویرانگر، که هم مقدس و هم لشکر را به پایمال شدن می‌سپارد، تا به کی خواهد بود؟ و او به من گفت: تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه مقدس تطهیر خواهد شد. دانیال ۱۳:۸، ۱۴.

فرشته جبرائیل و دیگر فرشتگان، میلر را به این درک رهنمون شدند که «قربانی دائمی» نمایانگر بت‌پرستی بود و «تعدی ویرانگر» نمایانگر پاپ‌گرایی. هم بت‌پرستی و هم پاپ‌گرایی، قدس و لشکر را

پایمال می‌کردند. بنابراین، «زمان‌های» امت‌ها که لوقا به آن اشاره می‌کند، همان دو دوره پایمال شدن، هر یک به مدت هزار و دویست و شصت سال، است که با هم هفت زمان لاویان بیست و شش را تشکیل می‌دهند.

پیام «سوگند» موسی در سال ۱۸۶۳ کشته شد، همراه با ایلای پیام‌آوری که پیام موسی را عرضه کرده بود. هم پیام موسی و هم پیام‌آور الیاس پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زنده شدند. پس از آن که پیام موسی بار دیگر به وسیله الیاس اعلام شد، این که هر دوی ایشان کشته شدند و سپس به مدت هزار و دویست و شصت روز در کوچه رها شدند و دفن نگردیدند، ارتباطی مستقیم با پیام «هفت زمان» دارد که دانیال آن را «سوگند» موسی می‌نامد. آن جنبش و آن پیام‌آوری که پیام الیاسی موسی را، چنان که به وسیله میلر و میلری‌ها نمونه‌وار نشان داده شد، تکرار می‌کند، سرانجام بر پای‌های خود خواهد ایستاد و زنده خواهد شد.

و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا به ایشان داخل شد، و بر پای‌های خود ایستادند؛ و خوفی عظیم بر آنان که ایشان را می‌دیدند مستولی گردید. و آوازی عظیم از آسمان شنیدند که بدیشان می‌گفت: به اینجا صعود کنید. و در ابری به آسمان بالا رفتند؛ و دشمنانشان ایشان را نگریستند. مکاشفه ۱۱:۱، ۱۲

ما در مقاله بعدی به این حقیقت خواهیم پرداخت.